

نگاه گذرا به مجازات مجرمین سازمان یافته از منظر فقه و حقوق ایران

محمد اسماعیل حلیمی*

چکیده

یکی از جرایمی که به سبب ویژگی‌های خاص خود امنیت اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی جامعه را با تهدید مواجه می‌سازد، جرم سازمان یافته است. گرچه در تعاریف ارائه شده از این جرم خصوصاً در جرم شناسی، هدف اساسی از ارتکاب این گونه جرائم، عموماً تحصیل منافع مادی و مالی ذکر شده است، در عین حال در برخی از تعاریف بویژه در قوانین داخلی برخی کشورها، اهداف سیاسی و کسب قدرت نیز از جمله اهداف گروه‌های مجرمانه‌ی مرتکب این جرایم بیان شده است و بدین ترتیب در حقوق داخلی این کشورها، تروریسم نیز مشمول مقررات حاکم بر جرائم سازمان یافته می‌گردد. تحقیق حاضر می‌کوشد که به بررسی مجازات این نوع جرم و مجرمان آن بپردازد. در قوانین موضوعه کشور ایران، به مجازات این نوع جرایم از نظر قانونی پرداخته شده است - هرچند کامل و بازدارنده نیست - ولی از دیدگاه فقهی تا هنوز آنگونه که باید به این مقوله پرداخته نشده است. این تحقیق، تلاش دارد که راهکارهای فقهی را برای مجازات و کنترل و جلوگیری از جرایم سازمان یافته، ارائه نماید تا باشد که خلأهای قانونی را پر نموده موجب کنترل یا کاهش ارتکاب این نوع جرایم گردد.

کلیدواژه‌ها: مجازات، جرایم سازمانی، بررسی فقهی، سازمان بزهکار.

مقدمه

جرایم سازمان یافته از جمله مهم ترین خطرهایی است که جامعه‌ی جهانی را تهدید می‌کند. این عنوان در علم جرم‌شناسی شامل فعالیت‌های مجرمانه‌ی شدید توسط گروه‌های مجرمانه‌ای است که با تشکیلات منسجم و پیچیده یا ویژگی‌های خاص برای کسب منافع مالی یا قدرت، مرتکب جرم می‌شوند. اما امروزه جرم سازمان یافته با توجه به توسعه‌ی صنایع مربوط به ارتباطات و حمل و نقل بین‌المللی، جنبه‌ی فراملی پیدا کرده و قلمرو خود را بر عرصه‌ی بین‌المللی نیز گسترانیده است.

با توجه به خطرات فوق العاده جرایم سازمان یافته، مبارزه با این جرائم، وجود قوانین داخلی کارآمد، نیروهای اجرایی و اطلاعاتی قوی و هماهنگ و دادگستری دقیقی را می‌طلبد که در عین حفظ حقوق اساسی شهروندان، با این جرایم، مبارزه‌ای همه جانبه داشته باشند. از طرف دیگر برای اقدام بین‌المللی علیه مظاهر فراملی این نوع جرایم، علاوه بر موارد فوق، همکاری‌های بین‌المللی فراگیر - یعنی منطقه‌ای و جهانی - میان دولت‌ها از طریق معاهدات دو جانبه و چند جانبه که توقیف، تعقیب و محاکمه عاملان و آمران این جرایم را میسر کرده و موجبات مصادره درآمدهای ناشی از جرم را فراهم ساخته و به کنترل و سرکوبی این جرایم منجر گردد، ضروری است.

با بررسی علت گسترش روزافزون این نوع جرایم، به این نتیجه می‌رسیم که یکی از مهم ترین فاکتورهای این گسترش، نبود و یا کمبود و خلأ قوانین موضوعه است؛ این خلأ قانونی، دست مجرمان سازمانی را باز گذاشته و آنان را به امپراطورانی تبدیل کرده است که بزرگ‌ترین جرایم را مرتکب می‌شوند ولی به خاطر ضعف قوانین، اصلاً محکوم نمی‌شوند و یا با تحمل کم‌ترین و سبک‌ترین مجازات - که اصلاً با جرایم سنگین شان تناسب ندارد، پس از مدتی دوباره به ارتکاب جرایم شان می‌پردازند.

با توجه به اهمیت این موضوع، نگارنده تلاش دارد تا ابعاد فقهی مجازات این نوع جرایم را به بررسی بگیرد، با در نظر داشت این موضوع که مجرمان سازمانی، عمدتاً برای تضعیف هیأت حاکمه و یا از بین بردن و سرنگونی نظام حاکم، و یا ایجاد ترس و وحشت در جامعه فعالیت می‌کنند، اگر بتوان آن را به جرایمی مانند بغی، محاربه و افساد فی الارض، پیوند داد، قوانین از فاکتورهای بازدارنده قوی‌تر و شدیدتری برخوردار شده، سبب کاهش چشم‌گیر جرایم سازمان یافته خواهد شد.

الف: مفاهیم

۱) جرم

جرم، چنانکه در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی بیان شده، فعل یا ترک فعلی است که قانون برای آن مجازات

تعیین کرده باشد یا جرم عملی است که قانون برای آن مجازات تعیین کرده است مثلاً کاپین، خرید و فروشش جرم نیست چون هر خلاف، جرم نیست. جرم شدت و ضعف دارد و همه جرم ها مجازات شان مساوی نیستند. اساس این ماده، تاسی از اصل ۳۶ قانون اساسی بوده که همان اصل قانونی بودن جرم و مجازات است که در تمام کشورها پذیرفته شده است حتی در قرآن هم یکی از منابع معرفی شده است «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا» (طلاق، ۷) خداوند بدون اینکه قانون و مقررات وضع کرده باشد کسی را تکلیف بر امری نمی‌کند. یا قاعده عقلی: قبح عقاب بلا بیان هم عدم مجازات قبل از وضع قوانین و مقررات است. حتی در ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که از مصوبات مهم مجمع عمومی سازمان ملل متحد است مقرر می‌دارد: هیچ کس را به علت فعل یا ترک فعلی که در موقع ارتکاب بر طبق قوانین ملی یا بین‌المللی جرم نبوده محکوم نمی‌کنند. بنا بر این، جرائم به دو دسته ناشی از فعل و ترک فعل تقسیم می‌شود یعنی جرم چنانچه ناشی از فعل باشد مثل سرقت و کلاهبرداری که عنصر مادی آن جرم را شکل می‌دهد، فرد مرتکب، مجازات می‌شود همچنین جرم ناشی از ترک فعل قابل مجازات است مثل اینکه کسی مأموریت داشته که وظیفه‌ای انجام دهد ولی او آن کار را انجام نمی‌دهد مانند ترک نفقه مرد به همسر.

۲) جرایم سازمان‌یافته

جرم سازمان‌یافته عبارت است از: فعالیت‌های غیرقانونی و هماهنگی گروهی منسجم از اشخاص که با تبانی همدیگر و برای تحصیل منافع مادی و قدرت، به ارتکاب مستمر مجرمانه شدیدی می‌پردازند و برای رسیدن به هدف از هر نوع ابزار مجرمانه نیز استفاده می‌کنند (شمس، ۱۳۸۳: ۱۳).

جرم سازمان‌یافته‌ی فراملی به جرمی اطلاق می‌شود که اولاً توسط شبکه‌های مجرمانه مرتبط به هم ارتکاب می‌یابند و ثانیاً این شبکه‌ها در کشورهای مختلف به فعالیت مجرمانه می‌پردازند و یا اهداف مورد نظر از ارتکاب جرم توسط آنان فراتر از قلمرو جغرافیایی یک کشور است (همان: ۱۱۷).

ب: ویژگی‌های جرم سازمان‌یافته

جرایم سازمانی یا جرایم سازمان‌یافته، ویژگی‌های دارد که آن را از جرایم معمولی و فردی، متمایز می‌کند.

۱) سازمان‌بزهکار

اجتماع بیش از دو نفر، نقطه‌ی بنیادین یک سازمان بزهکار را تشکیل می‌دهد مشروط بر اینکه از برخی از ویژگی‌های دگر کارهای سازمانی نیز برخوردار باشد (معظمی، ۱۳۸۴: ۳۰) از جمله:

۱- ساختار سازمانی: سازمان‌های بزهکار دارای نوعی ساختار سازمانی و عمدتاً ساختار هرمی شکل هستند (نجفی، ۱۳۸۳: ۵۸۳).

۲- استمرار زمانی: یعنی فعالیت‌های آن‌ها مقطعی نیست و به صورت مستمری ادامه دارد.

- ۳- قدرت مرکزی: که مدیریت واحد و منسجمی را بر کل سازمان و اعضای آن اعمال می‌کند.
- ۴- سلسله مراتب تشکیلاتی، ساختار هرمی شکل علاوه بر اینکه وجود یک قدرت مرکزی را ضروری می‌سازد به نوعی سلسله مراتب تشکیلاتی در سطوح پایین نیز خواهد بود (معظمی، پیشین: ۳۱).
- ۵- محدودیت اعضا: حفظ و تداوم ساختار سازمانی مستلزم وجود نوعی مقررات است که همه‌ی اعضا، باید در همان چهارچوب کار کنند (همان، ص ۳۳).
- ۶- قواعد الزام‌آور: حفظ و تداوم ساختار سازمانی مستلزم وجود نوعی قواعد الزام‌آور است که همه‌ی اعضا ناگزیر به رعایت آن می‌باشند.
- ۷- تقسیم کار: ماهیت جرائمی که توسط اینگونه سازمان‌ها ارتکاب می‌یابند به گونه‌ای است که یک نفر به تنهایی نمی‌تواند رکن مادی آن را انجام دهد، لذا علاوه بر اینکه که حضور چند نفر در کنار همدیگر ضروری است، هر کدام از آن‌ها نیز باید عهده‌دار عمل خاصی باشند و در نتیجه هر سازمان بزهکار، دارای یک تقسیم کار ویژه میان اعضای خود خواهد بود (سلیمی، ۱۳۸۲: ۳۰).

۲) فعالیت‌های مجرمانه سازمان یافته

- ویژگی دوم جرایم سازمان یافته فعالیت‌های مجرمانه سازمان یافته می‌باشد که می‌توان آن‌ها را در دو دسته متفاوت تقسیم بندی کرد.
- ۱- فعالیتی که به طور مستقیم در جهت تحصیل منافع مادی صورت می‌گیرد. که عمدتاً تمرکز و توجه سازمان‌های جنایکار معطوف به فراهم کردن کالا یا خدمات ممنوع و غیر قانونی است، که دارای متقاضی می‌باشد، و در برگیرنده‌ی افراد عادی، سازمان‌های خاص و حتی برخی از دولت‌ها می‌باشد. از این منظر فعالیت‌های سودآور سازمان را می‌توان تحت شمول اصطلاح کلی قاچاق قرار داد که مهم‌ترین موارد آن عبارتند از: قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه، قاچاق مواد هسته‌ای، قاچاق انسان و اعضا انسان.
- ۲- فعالیت‌هایی که به منظور تسهیل یا بهینه ساختن فعالیت‌ها یا منافع سازمان و یا حفظ اقتدار و استمرار آن صورت می‌گیرد که فعالیت‌های مختلف و متنوعی را از قبیل قتل، خشونت، ارباب یا تطمیع و ارتشاء، در بر می‌گیرد اما به نظر می‌رسد در حال حاضر دو نوع فعالیت مجرمانه برای حیات و همچنین تسهیل فعالیت‌های سازمان‌های بزهکار از اهمیت بیشتر و کلیدی‌تر برخوردار است که عبارتند از: پولشویی و فساد اداری.

۳) ابزارهای حمایتی

ویژگی دیگر جرایم سازمانی، ابزارهای حمایتی آن‌هاست. سازمان‌های بزهکار در عین حال که ممکن است بسیار قدرتمند، ثروتمند و پر نفوذ باشند، خواه ناخواه آسیب‌پذیر نیز خواهند بود. در واقع دو دسته موانع یا فشارها می‌تواند آن‌ها را آسیب‌پذیر سازد: نخست فشارهایی که ممکن است از بیرون و از ناحیه‌ی نهادهای

مجرمی به آن‌ها وارد شود (صادقی، ۱۳۷۷: ۲۰۷).

دوم فشارهایی که از درون و به دلائلی مانند رقابت‌های داخلی، درگیری‌های اعضای با یکدیگر، اعترافات اعضای نادم و... تحمل کنند بنابراین هر سازمان، دارای ابزارهای حمایتی خاصی است که از مهمترین آن‌ها می‌توان: فساد اداری، خشونت، جلب اعتماد و حمایت مردم محلی را نام برد (معظمی، پیشین: ۴۲).
تا این جا به سه ویژگی مهم جرایم سازمانی اشاره شد هرچند ویژگی‌های دیگری نیز دارد ولی با همین مقدار هم تقریباً ماهیت جرایم سازمانی شناخته می‌شود و لزومی ندارد که بیش ازین در این باره بحث شود. آنچه قابل دقت است و زنگ خطر را به صدا درآورده است، گسترش موضوعات مجرمانه است. امروزه با توسعه دانش و فن‌آوری، دامنه جرائم به طور قابل توجهی گسترش یافته و این گسترش با توجه به ارتکاب آن‌ها به صورت سازمان یافته و با ابزار جدید، امکان دستگیری و تعقیب متهمان و مرتکبان را کاهش داده است (کی‌نیا، ۱۳۷۴: ۱۲۵). در گسترش این نوع جرایم، عوامل فراوانی دخالت دارد اما یکی از مهم‌ترین آن عوامل، متاسفانه، خلأهای قانونی و عدم انطباق قوانین سنتی با جرائم مربوطه است.

ج: مجازات

مجازات یا کیفر به معنای این است که اگر کسی عمل خلاف اخلاق عمومی یا عرف و عادت آن جامعه یا خلاف قانون، انجام دهد، چون آن عمل بد است پس باید عقوبت و پاداش آن عمل را ببیند یعنی تنبیه شود و یا مجازات شود تا هم خود و هم دیگران متنبه شوند و دیگر، آن عمل را انجام ندهند یعنی باید مشقت آن عمل را بچشد و متوجه شود نتیجه آن عمل بد چیست. حال در قانون به ازای هر عمل بد و خلاف که قانونگذار بیان کرده چه امری بد و خلاف است تنبیهی هم بیان کرده که به آن تنبیه مجازات و به آن عمل بد جرم می‌گوئیم به طور ساده و عامیانه می‌گوئیم اعمالی که ممنوع است و کسی نباید آن را انجام دهد و برای جامعه خطر دارد و حتی برای از بین بردن آرامش مردم خطر دارد و فراتر از آن بیان می‌کنم برای مراودات اجتماعی مردم با مردم و مردم با جامعه و جامعه با مردم و دولت با مردم و مردم با دولت حتی روابط بین المللی خطر دارد و در روابط فرهنگی و اجتماعی و روابط اقتصادی و ... خطر دارد که نباید آن را انجام داد چنانچه هر کس آن عملی را که قانون گذار آن را خلاف می‌داند و بعنوان واژه جرم بیان کرد انجام مرتکب جرم شده و قانون گذار برای آن مجازات تعیین کرده و مقدار مجازاتش را همان قانون گذار پیش بینی کرده است که بدیهی ترین روش برای جلوگیری از آن عمل جرم و خلاف همین مجازات پیش بینی شده است.

۱) مجازات مجرمین سازمانی در قوانین موضوعه ایران

علی‌رغم آثار علمی متعددی که جرم‌سازمان یافته را از حیث جرم‌شناسی مورد بررسی قرار داده‌اند، این جرم، هنوز چندان در آثار حقوقی راه نیافته و در قوانین اکثر کشورها هنوز ضمانت اجرای کیفری نسبت به مظاهر این

جرم پیش بینی نشده است. فقط در چند سال اخیر، تعداد کمی از کشورها بحث درباره وضع قوانینی در این زمینه را، مورد بررسی قرار داده‌اند، بر اساس گزارش سازمان ملل متحد تا کنون حدود بیست کشور از جمله آرژانتین، استرالیا، برونئی، کانادا، شیلی، کرواسی، کره جنوبی، مصر، گابن، آلمان، لهستان، ایسلند، ایتالیا و ترکیه برای بعضی از مظاهر جرم سازمان یافته از جمله تطهیر پول و شرکت در سازمان مجرمانه، جرم انگاری کرده و بعضی از کشورها همچون مکزیک و امریکا، قوانین مستقلی را برای مبارزه با آن پیش بینی کرده‌اند.

قانونگذار ایران در هیچیک از قوانین کیفری، سازمان یافتگی در ارتکاب جرم را به طور مستقیم مورد توجه قرار نداده است، برای مثال به‌رغم الحاق ایران به کنوانسیون ملل متحد علیه قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان (۱۹۸۸) که در سال ۱۳۷۰ هم به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و علی‌رغم تأکید ماده ۳ این کنوانسیون بر لزوم تشدید مجازات مرتکبان سازمان یافته‌ی جرائم قاچاق مواد مخدر، قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ برای این جرم در صورت سازمان یافتگی، تشدید مجازات پیش‌بینی نکرده است، هر چند در مواردی ضمانت اجرای قابل توجهی در مورد ارتکاب بعضی جرائم که با شرکت چند نفر صورت می‌گیرد و یا در جرائم مهم اقتصادی پیش‌بینی کرده است که این ضمانت اجراها شامل کیفیات مشدده و یا مصادره اموال در بعضی موارد هستند (جمعی از اساتید، مدرس علوم انسانی، شماره ۱۷). بر اساس روح کلی معاهدات بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها در مورد جرم سازمان یافته، جرم‌های مهمی که با شرکت و تبانی چند نفر انجام می‌شوند، و لو اینکه منجر به تحصیل منابع مالی محسوس نشوند، جرم سازمان یافته تلقی می‌شوند و قابل مجازات شدیدتر هستند. بر این اساس در حقوق ایران عناوین زیر را در صورتی که توسط سازمان مجرمانه ارتکاب یابد، می‌توان به عنوان جرائم سازمان یافته مورد مطالعه قرار داد، گر چه قانونگذار به هنگام تدوین آن‌ها، ویژگی سازمان یافتگی را در آن‌ها لحاظ نکرده است.

جرم قاچاق مواد مخدر موضوع مواد ۲، ۴، ۸ و ۱۲ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم موضوع ماده ۶۱۰ و ۶۱۱ ق.م.ا، تشکیل و عضویت در سازمان یا گروه برای ارتکاب جرم اعم از مسلحانه و امنیتی موضوع مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ و ۱۸۶ تا ۱۸۸ ق.م.ا، انجام اقدامات باندى و تشکیلاتی غیر قانونی برای به دست آوردن سود یا اخلال در نظام صادراتی کشور موضوع قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور ۱۳۶۹، ارتکاب فساد اداری همچون ارتشا و اختلاس از طریق شبکه، موضوع ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، مصوب ۱۳۶۷، اخذ پورسانت غیر قانونی موضوع قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی ۱۳۷۲، جعل اسکناس رایج داخلی براساس قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس مصوب ۱۳۶۸؛ یا اسنادی همچون گذرنامه موضوع مواد ۵۲۳ و ۵۴۲ ق.م.ا، ارتکاب سرقت از طریق باند موضوع مواد ۶۵۱، ۶۵۴ و ۶۵۶ ق.م.ا، و قانون مربوط به تشدید مجازات سرقت مسلحانه ۱۳۳۹،

اخلال در صنایع موضوع قانون مجازات اخلالگران در صنایع مصوب ۱۳۵۳ و قانون راجع به اخلالگران در صنایع نفت ایران مصوب ۱۳۳۶، شرکت و معاونت در جرم موضوع مواد ۱۴۲ تا ۱۴۵ ق.م.ا، اخلال در تأسیسات زیربنایی کشور بر اساس قانون مجازات اخلال کنندگان در تأسیسات آب و برق و گاز و مخبرات کشور مصوب ۱۳۵۱، قانون کیفری بزه‌های مربوط به راه آهن مصوب ۱۳۲۰، اخلال در امنیت هواپیماها بر طبق قانون مجازات اخلال کنندگان در امنیت پرواز مصوب ۱۳۴۹، قاچاق کالاها و انسان‌ها بر طبق قانون مجازات مرتکبین قاچاق ۱۳۱۲، قانون امور گمرکی ۱۳۵۰، قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و... ۱۳۵۰ مجازات عبوردهندگان اشخاص غیرمجاز از مرزهای کشور ۱۳۶۷.

۲) مجازات مجرمین سازمانی از دیدگاه فقه

برای اینکه دانسته شود که آیا مجازات مفسد فی الارض و محارب، شامل مجرمین سازمانی هم می شود یا نه، باید ابتدا به مستندات فقهی آن، نگاهی گذرا انداخته، سپس به ملاک‌ها و معیارهای افساد فی الارض، دقت کنیم که آیا این ملاک‌ها در جرایم سازمان یافته هم وجود دارد تا مجازات افساد فی الارض را بر آن بار کنیم یا نه جرایم سازمان یافته از جنس دیگری است و اصلاً سنخیتی با افساد فی الارض و محاربه ندارد و مجازات آن هم به آن پایه از شدت و حدت نمی‌رسد.

فقه‌های اسلامی در باب مجازات مفسد فی الارض در دو مبحث به آن پرداخته‌اند؛ یکی آیات قرآنی مربوط به آن و دیگری روایات متناظر به مسأله‌ی مجازات مفسد فی الارض.

۱- آیات قرآن

الف- آیه ۳۲ سوره مائده آیه ۳۲ سوره مائده می‌فرماید: «من أجل ذلك كتبنا على بني إسرائيل أنه من قتل نفساً بغير نفس أو فساد في الأرض فكأنما قتل الناس جميعاً»؛ به این جهت بر بنی اسرائیل مقرر نمودیم هر کس نفسی را بدون حق قصاص و یا بی‌آنکه فساد در روی زمین کرده باشد به قتل برساند، مانند آن است که همه مردم را کشته باشد.

بر اساس آیه شریفه، قتل هر انسانی در صورتی که به عنوان قصاص یا افساد فی الارض نباشد، همسنگ با کشتن تمامی افراد بشر است. مقید شدن زشتی و قبح قتل به مواردی غیر از قصاص و فساد در زمین بر این نکته دلالت دارد که اگر قتل نفس به عنوان قصاص و مقابله به مثل یا افساد فی الارض انجام شود، قبحی ندارد، بلکه از آیه شریفه استفاده می‌شود که قتل مشروع، منحصر در دو مورد مذکور است (بای، مجله حقوق اسلامی، شماره ۷). به این ترتیب، نه تنها افساد فی الارض، خود عنوان مجرمانه‌ای است که مجازات مرتکب آن قتل است، بلکه با عنایت به انحصاری که از آیه به دست می‌آید، تمام جرائم مستوجب قتل را باید داخل در همین عنوان مجرمانه یا قصاص دانست (مومن، کلمات سدید).

یکی از فقهای معاصر با اشاره به این نکته می‌نویسد: از آیه استفاده می‌شود که تمامی عناوین مجرمانه‌ی مستوجب قتل، مانند زنای محصنه، زنای با محارم و لواط ایقابی و همچنین جرائمی که مجازات مرتکبان - آنها در مرتبه سوم یا چهارم قتل است، همگی از مصادیق فساد در زمین هستند؛ زیرا آیه حکم نموده است که قتل مشروع تنها در مورد قصاص و افساد فی الارض است. وجه چنین برداشتی روشن است، زیرا زمانی که مجرد اسلحه کشیدن به قصد ترساندن مردم، افساد فی الارض باشد، چرا زنای محصنه و لواط و مانند آنها افساد فی الارض نباشد؟ (فاضل لنکرانی، کتاب الحدود). به نظر می‌رسد حصر موارد مشروع قتل در افساد و قصاص با لحن و سیاق آیه و ظهور عرفی از آن، تناسب بیشتری دارد، هر چند که عدم استفاده حصر از آیه، آسیبی به استدلال به آیه شریفه بر جواز قتل مفسد، وارد نمی‌سازد. این ایراد که آیه مورد بحث در مورد بنی اسرائیل بوده و از این رو حکم بیان شده در آن نیز اختصاص به آنها دارد، وارد نیست و جایی برای شبهه مزبور وجود ندارد؛ زیرا به تصریح بسیاری از مفسران، حکم مذکور در مورد مسلمانان نیز جریان دارد (فیض کاشانی، ج ۲، تفسیر آیه مورد بحث).

ارتکاز عقلا و حکم عقل مبنی بر دفع فساد مفسدان در زمین و کشتن آنها - در صورتی که دفع فساد متوقف بر آن باشد - قرینه متصله‌ای است بر اینکه قتل به عنوان قصاص یا مجازات مفسدان فی الارض جایز است و لذا استظهار عرفی از آیه، جواز قتل قاتل و مفسد فی الارض است.

شاهد این ادعا که جواز قتل مفسد فی الارض امری عقلایی و مرتکز در نزد آنهاست، آیه ۲۶ سوره غافر است که در آن فرعون خطاب به قوم خود می‌گوید: مرا واگذارید تا موسی را هلاک سازم و او پروردگارش را (برای کمک) فراخواند؛ همانا من از این هراس دارم که او آیین شما را دگرگون سازد یا آنکه در زمین فسادی بر پا کند.

توجیه فرعون برای کشتن موسی آن است که موسی، در صدد فساد انگیزی در روی زمین است و روشن است که این توجیه، زمانی مؤثر و مفید خواهد بود که در ارتکاز مخاطبان او، مفسد فی الارض، مستحق مجازات قتل باشد.

ب- آیه ۳۳ سوره مائده این آیه می‌فرماید: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ»؛ همانا مجازات کسانی که به پیکار با خداوند و رسولش برمی‌خیزند و فساد انگیزی در روی زمین را وجهه همت خود می‌سازند آن است که کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا دست و پایشان به طور مخالف قطع شود و یا تبعید گردند.

به اعتقاد برخی از موافقان مستقل بودن جرم افساد، دلیل مترتب شدن مجازات چهارگانه بر محارب، آن است که وی تلاش در فساد انگیزی در زمین داشته و مفسد فی الارض است. به بیان دیگر، محارب از آن

جهت که از مصادیق و افراد مفسد فی الارض است، مشمول مجازات های مقرر در آیه شده است و به این ترتیب هر فساد کننده در زمین نیز مشمول همان مجازات ها خواهد بود؛ زیرا علت مجازات های چهارگانه، «افساد فی الارض» است (اردبیلی، زبده البیان، تفسیر آیه مورد نظر).

ج- آیات ۱۹۱ و ۲۱۷ بقره آیه ۱۹۱ سوره بقره می فرماید: «واقتلوهم حیث ثقتموهم وأخرجوهم من حیث أخرجوكم والفتنة أشد من القتل»؛ هر جا مشرکان را یافتید به قتل رسانید و از شهرهای شان برانید، چنان که آن ها شما را از شهرهای تان راندند و فتنه گری که آن ها کنند سخت تر و فسادش بیشتر (از جنگ) است. هر چیزی که موجب تغییر و تحولی در وضعیت عادی افراد و اجتماع شود (اعم از بلا و مصیبت، شدت، ضلالت و ...) فتنه است. چنان که مؤلف کتاب التحقیق فی کلمات القرآن می نویسد: اصل در معنای فتنه عبارت است از هر چیزی که موجب اختلال و دگرگونی (اضطراب) شود. هر گاه این دو عنوان (اختلال و اضطراب) هر دو وجود داشته باشد فتنه است... معانی دیگری که برای فتنه بیان می شود، همگی از مصادیق فتنه بوده و معنای اصلی آن نیست (مصطفوی، التحقیق، واژه فتنه).

و اما وجه استدلال به آیه شریفه ۱۹۱ سوره بقره و آیه ۲۱۷ همان سوره که دارای مضمونی مشابه است به این نحو است که برپا کردن فتنه به مراتب زشت تر و نامطلوب تر از قتل انسان است. حال اگر مجازات قاتل - عمد، مرگ باشد، به طریق اولی، مجازات برپا کننده فتنه و فساد، مرگ خواهد بود.

علامه طباطبایی در تعلیل شدیدتر بودن فتنه از قتل نفس می نویسد: فتنه شدیدتر از قتل است، زیرا در قتل، حیات مادی شخص از بین می رود، اما در فتنه، هم حیات مادی و هم حیات معنوی از بین می رود و هر دو دنیای انسان ویران می شود (طباطبایی، المیزان، تفسیر آیات مورد بحث).

اشکالی که ممکن است مطرح شود این است که مترادف بودن معنای فتنه و فساد فی الارض روشن نیست، لذا نمی توان به آیه استدلال نمود. در پاسخ به این ایراد می توان گفت: هر چند معنای لغوی فتنه و فساد متفاوت است، اما به قرینه اینکه آیه، فتنه را شدیدتر از قتل معرفی می کند، روشن می شود که نوع خاصی از فتنه مانند افساد فی الارض مراد آیه است و در هر صورت، افساد فی الارض قدر متیقن و مصداق روشن فتنه است.

۲- روایات

روایات فراوانی بر جواز و حتی وجوب قتل مفسد فی الارض دلالت دارد که به چند مورد به صورت فهرست - گونه فقط اشاره می شود.

الف) روایت فضل از امام رضا (ع) «فلا یجوز [یحل] قتل احد من النصاب و الکفار فی دار التقیة الا قاتل او ساع فی فساد اذا لم تخف علی نفسک و اصحابک»؛ کشتن هیچ یک از ناصبی ها و کفار در سرزمین تقیه جایز

نیست، مگر آنکه قاتل یا سعی کننده در فسادی باشد (که در این صورت قتل او جایز است)؛ البته زمانی که بر خود و اطرافیانت بیم نداشته باشی (صدوق، عیون الاخبار، ج ۱).

ب) روایت ابن عبید از امام هادی (ع) حدثنی الحسین بن الحسن بن بندار القمی قال: حدثنی سعد بن عبدالله بن ابی خلف القمی، قال: حدثنی محمد بن عیسی بن عبید، ان ابوالحسن العسکری (ع) امر بقتل فارس بن حاتم القزوینی و ضمن لمن قتله الجنه، فقتله جنید و کان فارس فتاناً یفتن الناس و یدعو الی البدعه، فخرج من ابی الحسن (ع): «هذا فارس لعنه الله يعمل من قبلی فتاناً داعياً الی البدعه و دمه هدر لكل من قتله، فمن هذا الذی یریحنی منه و یقتله» (طوسی، الاستبصار، ج ۴) کشی از حسین بن حسن بندار قمی و او از سعد بن عبدالله بن ابی خلف و او از محمد بن عیسی بن عبید نقل می کند که امام هادی (ع) امر فرمودند که فارس بن حاتم قزوینی را به قتل برسانند. امام برای قاتل فارس بهشت را ضمانت فرمودند. پس شخصی به نام جنید او را به قتل رساند. فارس شخصی بود که بین مردم ایجاد فتنه می کرد و آنها را به انحراف و بدعت می کشاند. پس امام (ع) در مورد او فرمودند: این فارس که خداوند او را لعنت کند خودش را از جانب من می داند، فتنه می کند و مردم را به انحراف و بدعت فرامی خواند. خون او برای هر شخصی که بتواند او را بکشد هدر است. پس کیست که مرا از شر او آسوده سازد و وی را به قتل برساند.

ج) فرازی از خطبه قاصعه «الا و قد امرنی الله بقتال اهل البغی و النکت و الفساد فی الارض فاما الناکتون فقد قاتلت و اما القاسطون فقد جاهدت و اما المارقه فقد دوخت»؛ آگاه باشید که خداوند مرا به جنگ با ستم پیشگان و پیمان شکنان و آنان که در زمین به فساد برخاسته اند امر فرمود. پس با پیمان شکنان جنگیدم و با متجاوزان به نبرد برخاستم و بیرون شدگان از مدار دین را خوار و زبون ساختم (نهج البلاغه، خطبه قاصعه). مقصود از ناکثین در کلام حضرت امیر (ع)، اصحاب جمل و منظور از قاسطین، اهل صفین و مقصود از مارقین نیز خوارج اند. در کلام حضرت از مارقین یا خوارج به مفسدین فی الارض یا اهل فساد روی زمین تعبیر شده است که خداوند جواز قتال با آنها و کشتن و نابودی آنها را صادر فرموده است.

از کلام حضرت علی (ع) دو نکته به روشنی قابل استفاده است: نخست آنکه نبرد با مفسدین فی الارض و قتل آنها جایز است، بلکه عبارت «قد امرنی الله» صراحت در این نکته دارد که دفع فسادکنندگان در روی زمین از وظایف حاکم اسلامی است. دوم آنکه مفسد فی الارض که مستحق مجازات مرگ می باشد، منحصر در محارب نیست، زیرا روشن است که خوارج در اصطلاح فقیهان، «باغی» محسوب می شوند نه «محارب». با وجود این، در کلام حضرت امیر بر «خوارج و باغیان»، مفسد فی الارض اطلاق شده است. علاوه بر آیات و روایاتی که ذکر شد، روایات متعددی دگری نیز در ابواب مختلف فقه وارد شده است که برخی از فقها موضوع آنها را به جرم افساد فی الارض تطبیق داده اند، به این معنا که علت مجازات مرتکبان آنها را،

مفسد فی الارض بودن مرتکبان آنها دانسته‌اند.

تا این جا آیات و روایاتی که مجازات محارب را شامل مفسد فی الارض و حتی فتنه جو می‌دانند ذکر کردیم اما این تمام قضیه نیست بلکه فقط یک طرف داستان است؛ زیرا در مقابل، دسته‌ی دیگر از آیات و روایات هست که مجازات خاص را مخصوص محارب دانسته در سایر مجرمین جاری نمی‌داند از باب قبح عقاب بلا بیان و درأ حدود با شبهات بلکه فقط تعزیر را ثابت می‌داند و لا غیر.

نتیجه

به طور خلاصه آنچه که از دسته اول از آیات و روایات، می‌توان به دست آورد، قبح شدید محاربه، افساد فی الارض و ایجاد فتنه و مجازات سخت مرتکبان آن است اما در مقابل اینها، دسته دگر از آیات و روایات است که ما را از مجازات بدون دلیل و مستند معتبر، منع کرده است. جمع بین این دو دسته از آیات و روایات، به این است که بگوییم، دسته اول حد محارب را بیان می‌کند که اشد مجازات است و در مواردی شامل افساد فی الارض و ایجاد فتنه هم می‌شود اما همه جا شامل اینها نمی‌شود بلکه نسبت بین محاربه و افساد فی الارض، عموم و خصوص من وجه است و فقط در صورتی که محاربه و افساد فی الارض، در عملی جمع شود، مرتکب - آن، به مجازات محارب، محکوم می‌شود. دسته دگر از آیات و روایات، موارد افتراق افساد فی الارض از محاربه را بیان می‌کند که در این صورت از باب قبح عقاب بلا بیان، درأ حدود به شبهات مجازات حدی از بین رفته به جای آن، تعزیر ثابت می‌شود. مرتکبان جرایم سازمان یافته، در بسیاری از موارد و مصادیق، باعث از بین بردن و نابودی یک نظام و ملت و حتی فرهنگ و تمدنی می‌شوند. از این لحاظ اگر آنان را مشمول اشد مجازات بدانیم، چندان استبعاد نخواهد داشت. با وجود این ما نمی‌توانیم به صرف احتمال، مجازات افساد فی الارض و محاربه را بر مجرم سازمان یافته، بار نماییم. آنچه قابل تذکر و دقت است، این است که قانونگذار محترم، می‌تواند با توجه به آیات و روایات متعددی که محاربه و افساد فی الارض و فتنه را به شدت تقبیح می‌نماید و مرتکبین را محکوم به اشد مجازات می‌داند، ملاک‌ها و معیارهای حکم را به دست آورده، قانون کارآمدتر و مجازات بازدارنده‌تر، جهت کنترل و کاهش جرایم سازمان یافته، وضع نماید.

فهرست منابع

- قران کریم
- نهج البلاغه
- ۱. اردبیلی، احمد بن محمد، زبده البيان، مكتبة المرتضوية، بی تا.
- ۲. بای، حسین علی، سیری در مستندات فقهی جرم انگاری افساد فی الارض، مجله حقوق اسلامی، زمستان ۱۳۸۴.
- ۳. جمعی از اساتید، جرم سازمان یافته در جرم شناسی و حقوق جزا، زمستان ۱۳۷۹.
- ۴. سلیمی، صادق، جنایت سازمان یافته فراملی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۲.
- ۵. شمس ناتری، محمدابراهیم، بررسی سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سازمان یافته، رساله دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.
- ۶. شمس ناتری، محمدابراهیم، جرائم سازمان یافته، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، سال اول شماره اول، ۱۳۸۳.
- ۷. صدوق، محمد بن علی، عیون الاخبار، بیروت، موسسه الاعلمی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- ۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۴۲۲ق.
- ۹. طوسی، محمد بن الحسن، الاستبصار، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق، ج ۴
- ۱۰. فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه، کتاب الحدود، مرکز فقه ائمه اطهار(ع)، ۱۴۲۲ق.
- ۱۱. فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر صافی، تهران، موسسه الهادی، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق.
- ۱۲. مصطفوی، سید حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- ۱۳. کی نیا، محمد؛ روان شناسی جنائی، تهران، رشد، ۱۳۷۴.
- ۱۴. معظمی، شهلا، جرم سازمان یافته و راهکارهای جهانی مقابله با آن، تهران، دادگستر، چ اول، ۱۳۸۴.
- ۱۵. مؤمن، محمد، کلمات سدیدة، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۱۵.
- ۱۶. صادقی، میرمحمد، حقوق جزای بین الملل، (مجموعه مقالات) تهران؛ میزان، چ اول، ۱۳۷۷.
- ۱۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مباحثی در علوم جنایی، تقریرات، ۱۳۸۳.